

۱۴۷۰۹۸۲

# خوانش حقوقی از انقلاب مشروطه ایران

(تاریخ مفاهیم و نهادهای حقوق عمومی در ایران)

دکتر فردین مرادخانی

استادیار حقوق عمومی دانشگاه بوعلی سینا



|                         |                                                                                             |
|-------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------|
| سرشناسه                 | مرادخانی، فردین، ۱۳۶۰ -                                                                     |
| عنوان قراردادی          | ایران، قوانین و احکام                                                                       |
| عنوان و نام پدیدآور     | خوانش حقوقی از انقلاب مشروطه ایران (تاریخ مفاهیم حقوق عمومی در ایران) / مولف فردین مرادخانی |
| مشخصات نشر              | تهران: نشر میزان، ۱۳۹۶                                                                      |
| مشخصات ظاهری            | ۶۰۰ ص.                                                                                      |
| فروست                   | نشر میزان؛ ۱۰۳۵.                                                                            |
| شابک                    | 978-964-511-834-9                                                                           |
| وضعیت فهرست نویسی: فیپا |                                                                                             |
| موضوع                   | ایران، مجلس شورای ملی — تاریخ -- Iran.Parliament                                            |
| موضوع                   | حقوق اساسی — ایران — تاریخ — قرن ۲۱ ق.                                                      |
| موضوع                   | Constitutional history -- Iran -- 18th century                                              |
| موضوع                   | حقوق عمومی — ایران — تاریخ — قرن ۲۱ ق                                                       |
| موضوع                   | Public law -- Iran -- History -- 18 th century                                              |
| موضوع                   | حقوق — تاریخ -- History -- Law                                                              |
| موضوع                   | اسلام و مشروطیت -- Islam and Iranian constitution                                           |
| موضوع                   | ایران — تاریخ — انقلاب مشروطه، ۱۳۲۲ - ۱۳۲۷ ق.                                               |
| موضوع                   | Iran -- History -- Constitutional Revolution, 1906-1909                                     |
| موضوع                   | ایران — تاریخ — انقلاب مشروطه، ۱۳۲۲ - ۱۳۲۷ ق. — مجلس                                        |
| موضوع                   | Iran -- History -- Constitutional Revolution, 1906-1909 -- Parliament / Majlis              |
| رده بندی کنگره          | KMH ۱۲۰۱.۳۲۱.۱۳۱۵                                                                           |
| رده بندی دیویی          | ۳۴۲.۰۲۹                                                                                     |
| شماره کتابشناسی ملی     | ۴۵۵۳۷۳۱                                                                                     |

هرگونه تکثیر (اعم از چاپ، کپی، فایل الکترونیک و...) بدون اخذ مجوز  
از ناشر خلاف قانون بوده و پیگرد قانونی دارد.  
لطفاً در صورت مشاهده، موارد را به شماره تلفن های زیر اطلاع دهید.

۱۰۳۵

نشر میزان

خوانش حقوقی از انقلاب مشروطه ایران

دکتر فردین مرادخانی

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۶

قیمت: ۴۲۰۰۰ تومان

شماره: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۱-۸۳۴-۹

دفتر مرکزی: خ شهید بهشتی، بعد از چهارراه سهروردی، خ کاوسی فر، کوچه نکیسا، پلاک ۳۲، تلفن ۸۸۵۴۹۱۳۱

فروشگاه مرکزی: خ انقلاب، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، ابتدای خ فخررازی، پلاک ۸۳، تلفن ۶۶۴۶۷۷۷۰

واحد پخش و فروش: خیابان سمیه، بین مفتح و فرصت، پلاک ۱۰۴، تلفن ۸۸۳۴۹۵۲۹-۳۱

پست الکترونیکی: mizannasher@yahoo.com وب سایت: www.mizan-law.ir

## فهرست مطالب

|                            |    |
|----------------------------|----|
| درآمد.....                 | ۱۱ |
| دانش تاریخ.....            | ۲۴ |
| چیستی دانش حقوق عر می..... | ۳۱ |

## فصل اول: تاریخ نظریه مشروطیت

|                                     |     |
|-------------------------------------|-----|
| پیدایش نظریه دولت مدرن و مطلقه..... | ۴۱  |
| ایده مشروطیت.....                   | ۴۹  |
| مشروطیت مدرن.....                   | ۷۷  |
| انقلاب مشروطیت انگلیس.....          | ۸۷  |
| انقلاب مشروطیت فرانسه.....          | ۱۰۱ |
| انقلاب مشروطیت آمریکا.....          | ۱۱۰ |

## فصل دوم: انقلاب مشروطیت ایران

|                                     |     |
|-------------------------------------|-----|
| اوضاع ایران در آستانه انقلاب.....   | ۱۱۷ |
| اهمیت سلطان در عصر قاجار.....       | ۱۲۲ |
| ضرورت اصلاحات.....                  | ۱۳۱ |
| پیروزی انقلاب و تاسیس مجلس اول..... | ۱۳۷ |
| تفاسیر انقلاب.....                  | ۱۴۷ |
| عواملان انقلاب.....                 | ۱۵۰ |
| علماء در عصر قاجار.....             | ۱۵۸ |

|          |                          |
|----------|--------------------------|
| ۱۷۳..... | فقیهان مخالف مشروطه..... |
| ۱۷۹..... | موافقان مشروطه.....      |

### فصل سوم: قانون اساسی

|          |                                                  |
|----------|--------------------------------------------------|
| ۱۹۹..... | واژه قانون اساسی.....                            |
| ۲۰۱..... | معانی و اهداف قانون اساسی.....                   |
| ۲۰۹..... | نحوه تکوین قانون اساسی در انقلابهای مشروطیت..... |
| ۲۱۷..... | قانون اساسی قبل از انقلاب مشروطیت.....           |
| ۲۲۱..... | قانون اساسی در اندیشه روشنفکران.....             |
| ۲۲۸..... | تصویب قانون اساسی و متمم آن.....                 |
| ۲۴۱..... | ایرادات و اختلاف بر سر قانون اساسی و متمم.....   |
| ۲۴۶..... | جدال فقیهان بر سر قانون اساسی.....               |

### فصل چهارم: قانون

|          |                                    |
|----------|------------------------------------|
| ۲۵۹..... | تحول مفهوم قانون.....              |
| ۲۷۳..... | ویژگی های قانون در دوران مدرن..... |
| ۲۸۱..... | قانون در ایران.....                |
| ۲۸۲..... | قانون و فقه.....                   |
| ۲۹۲..... | پیدایش مفهوم قانون در ایران.....   |
| ۲۹۷..... | روشنفکران و نسبت فقه و قانون.....  |
| ۳۰۵..... | روشنفکران و ویژگی های قانون.....   |
| ۳۱۳..... | قانون در جدال فقیهان.....          |
| ۳۲۴..... | مجلس اول و مساله قانون.....        |

### فصل پنجم: تفکیک قوا

|          |                                        |
|----------|----------------------------------------|
| ۳۳۱..... | نظریه تفکیک قوا.....                   |
| ۳۳۷..... | ویژگی و برداشتهای نظریه تفکیک قوا..... |

|          |                                    |
|----------|------------------------------------|
| ۳۴۳..... | سنتهای تفکیک قوا.....              |
| ۳۵۴..... | تفکیک قوا در ایران.....            |
| ۳۵۵..... | مفهوم تفکیک قوا نزد روشنفکران..... |
| ۳۶۰..... | روابط قوا در اندیشه روشنفکران..... |
| ۳۶۷..... | فقیهان و تفکیک قوا.....            |
| ۳۷۵..... | مجلس اول و مساله تفکیک قوا.....    |

### فصل ششم: نمایندگی

|          |                                 |
|----------|---------------------------------|
| ۳۸۷..... | تاریخ مفهوم نمایندگی.....       |
| ۳۹۵..... | ابهامات در نظریه نمایندگی.....  |
| ۴۰۴..... | اهمیت نظریه نمایندگی.....       |
| ۴۰۷..... | روشنفکران و مساله نمایندگی..... |
| ۴۱۰..... | فقیهان و مساله نمایندگی.....    |
| ۴۲۳..... | مجلس اول و مساله نمایندگی.....  |

### فصل هفتم: پارلمان

|          |                                          |
|----------|------------------------------------------|
| ۴۲۹..... | شکل‌گیری مفهوم پارلمان.....              |
| ۴۴۳..... | پارلمان در اندیشه روشنفکران.....         |
| ۴۵۳..... | فقیهان و مفهوم پارلمان.....              |
| ۴۶۷..... | نقش مجلس اول در تشکیل مفهوم پارلمان..... |
| ۴۷۹..... | کارنامه مجلس اول.....                    |

### فصل هشتم: عدلیه

|          |                             |
|----------|-----------------------------|
| ۴۸۷..... | مفهوم استقلال قضایی.....    |
| ۴۹۵..... | سیستم قضایی در ایران.....   |
| ۵۰۰..... | سیستم قضایی عصر قاجار.....  |
| ۵۰۷..... | روشنفکران و نظام قضایی..... |

عدلیه بعد از پیروزی انقلاب ..... ۵۱۰

### فصل نهم: آزادی و برابری

آزادی و مساوات در اندیشه روشنفکران ..... ۵۱۹

جدال فقیهان بر سر آزادی و مساوات ..... ۵۳۱

ملاحظات نهایی ..... ۵۴۹

فهرست منابع ..... ۵۶۳

منابع فارسی ..... ۵۶۳

۱- کتاب ..... ۵۶۳

۲- مقاله ..... ۵۸۰

۳- پایان نامه ..... ۵۸۵

منابع انگلیسی ..... ۵۸۷

## درآمد

مشروطیت به عنوان مهمترین حادثه دوران جدید ایران از منظرهای مختلفی نگریسته شده است، اما تاکنون نظریه مشروطه خواهی ایرانیان در غیبت مفاهیم و نگاه حقوقی نوشته شده است. در حالی که تنها از این منظر است که بسیاری از زوایای ناشناخته و ناط تاریک تاریخ و نظریه مشروطه خواهی روشن خواهد شد. مباحث کلی و اینکه تمام تاریخ مشروطیت را بتوان در اثری نگاشت ما را به جایی نخواهد رساند و دیرگهی است تا آن رسیده است که مفاهیم و اصول این انقلاب بزرگ را از نزدیک و با دقت بیشتر و از دیدگاههای مختلف بررسی کنیم. مشروطیت و مولفه های آن در حقیقت مفاهیمی حقوقی بودند، اما هرگز در سده اخیر برای حقوقدانان این دیار، مساله نبوده اند. شاید این ادعا آن است که هنوز اثری به خامه یکی از حقوقدانان ایرانی و تاملی حقوقی در خصوص مفاهیم و نهادهای مشروطیت، بجز آنچه که پدران ما در آن عصر نگاشتند، به رشته تحریر در نیامده است. جالب آنجاست که در تمام تفسیرهایی که در این یک سده از آثار پدران مشروطیت شده است نیز هیچ اشاره ای به نکات مهم حقوقی نهفته در آرای آنها نشده است. جای تعجب است که در خصوص این مفاهیم که بر سر زبان همه بود هرگز در این مدت رساله ای جدی نوشته نشد. در حالی که در غرب از همان آغاز، آثار و الیفات مهمی در خصوص مفاهیم بنیادین و نهادهای جدید به رشته تحریر درآمد که اهمیت آنها بر اهل نظر پوشیده نیست. برای مثال درباره مفاهیمی چون نمایندگی، قانون، پارلمان و سایر مفاهیم بررسی شده در این کتاب ادبیات وسیعی در مغرب زمین وجود دارد که یا تاریخ تحول این مفاهیم را مورد بررسی قرار داده اند، یا آن را از منظر تحولات سیاسی یا قانونی دیده اند و یا از دیدگاه متفکران معنای آن مفهوم را کاویده اند. به این ترتیب اصول مشروطیت و نگاه به این حادثه از منظر حقوقی حلقه مفقوده ای در مطالعات راجع به مشروطیت در کشور ماست. اصولی که خواسته های مشروطه خواهان ایرانی را نشان می دهد و نشان می دهد که ایرانیان چه در سر داشتند.

هیچ حرکت و انقلابی ممکن نیست بر پایه‌هایی نظری بنا نشده و تنها با شناخت و تحلیل آن مبانی نظری است که می‌توان به بررسی، نقد و تحلیل آن واقعه پرداخت و البته نشناختن آن مبانی و ارائه ندادن تحلیلی از آن حوادث جز تکرار اشتباهات اثری در پی نخواهد داشت. از طرف دیگر حقوق عمومی (و البته دانش حقوق) جز در نگاهی تاریخی تکوین و تحول نخواهد یافت و هر گونه کوششی برای تاسیس این رشته بدون توجه به لطایف و نکته‌های تاریخی و آگاهی از آنها راه به جایی نخواهد برد. توضیح آنکه مسیر حقوق عمومی در ایران در یک سده اخیر به گفته شیخ اجل جز "تلقین و تکرار" بیزی نبوده است و هر آنچه نوشته شده است در حقیقت ترجمه‌هایی از مهم‌ترین بحث‌های حقوقدانان مغرب زمین است، بدون اینکه به این نکته توجه شود که این مباحث در سیرام تاریخی خاص، با تجربه‌های معین رخ داده است و با انباشت شدن بر روی ممان دانش شکل گرفته و تکامل یافته است و هر بحث را در قالب یک کل و در امتداد سایر مباحث باید دید. از این روی انباشت دانش در کشور ما شکل نگرفته است، زیرا بدون تکمیل بریراث گذشتگان و نقد و جرح آنها و البته ایستادن بر شانه آنها هیچ کوششی راه به جایی نخواهد برد. این است که پس از یک سده از ورود این رشته به ایران برخی از حقوقدانان استدلال می‌کنند که دانش حقوق عمومی هنوز در ایران تاسیس نشده است. "همچنین مشروطیت تحدید قدرت است و حقوق عمومی در این میان می‌تواند مهمترین نقش را داشته باشد. در ایران پس از گذشت یک سده هنوز دغدغه اصلی، مهار و تحدید قدرت است."

چنانکه در فقره فوق گفتیم مساله این تحقیق بحثی در باب نظریه مشروطه خواهی و در عین حال تکوین مفاهیم و نهادهای حقوق عمومی است. به دلیل فراوانی از جمله فقدان نظریه پردازی در یک سده اخیر، پرسشهای ما همچنین پرسشهای عصر مشروطیت‌اند و از ارائه پاسخ به آن پرسشها و نیز توان طرح پرسش جدید درمانده ایم. مباحثی چون تحدید قدرت، قانون، پارلمان، نمایندگی، تفکیک قوا و سایر مباحث بررسی شده در این دفتر دیرگاهی است همزاد ما شده‌اند و پس از گذشت یک سده از انقلاب مشروطیت همچنان جزو خواسته‌های اولیه و اصلی ایرانیان می‌باشند. علاوه بر کوشش‌های مدنی و تلاشهای اهل عمل و سیاست برای دست یافتن به این خواسته‌ها (که در جای خود بسیار قابل ستایش و ارزشمند است)، به شدت نیازمند تأمل نظری



در این خصوص هستیم و تاملات نظری جز از مجرای آگاهی از وضعیت تاریخی خود ممکن نخواهد شد. در ایران پس از گذشت یک سده هنوز دغدغه اصلی، مهار و تحدید قدرت است و می‌توان گفت که ما هنوز در سده مشروطه خواهی هستیم و از این رو تاملی درباره خاستگاههای این مفاهیم می‌تواند پرتوی بر برخی از مشکلات امروز ما بیافکند.

به یاد داشته باشیم که اگر متفکران بزرگ مصدر تحولات فکری مهمی شده‌اند گذشته از تاملات عمیق خود آنها، تحلیل آرا و آثارشان توسط شاگردان و منتقدین و ارائه روائت‌های مختلف از اندیشه آنها، هم راه را بر اندیشه‌های جدید گشوده است و هم از نشستن غبار فراموشی بر افکار آنان جلوگیری کرده است. چنین است که گاهی وقت‌ها ارائه تحلیل از میراث فکری متفکران، ارزشی همسنگ آن کوشش و تامل نخستین دارد. ما اما با تاملات خرد بیگانه‌ایم و حتی اگر متفکرین گذشته ما نکات مهمی گفته‌اند یا در سنت ما امکاناتی برای اندیشیدن وجود داشته است جز سوختن آن فرصت، کاری نکرده ایم.

مسئله اصلی در این کتاب آن است که مسائل مشروطیت در نزد ایرانیان مشروطه خواه چه بودند و کوشش‌های آنها در دو حوزه نظر و عمل برای تکوین این اصول تا چه حد موفق بود. از این طریق است که می‌توانیم نخستین سنگ بنای این اصول در ایران چگونه نهاده شد و حتی بسیاری از مشکلات این یک سده را می‌توان در پرتو روشن کردن همین کوشش نخستین دید. برای نشان دادن این مسئله دیدگاه روشنفکران و فقیهان به عنوان اهل نظر و تجربه مجلس اول به عنوان نخستین کوشش عملی ایرانیان در خصوص هر یک از این اصول را مورد بررسی قرار می‌دهیم. همچنین در گامی دیگر سعی نموده‌ایم که تجربه خویش را در پرتو تجربه مهمترین انقلاب‌های مشروطیت جهان ببینیم تا درکی عمیق‌تر از خود بیابیم. از این رو اصولی که در این تحقیق بررسی شده‌اند یعنی قانون، نمایندگی، تفکیک قوا، استقلال قضایی، قانون اساسی، حقه‌های بنیادین و پارلمان را در سه تجربه مهم اروپای بزرگ و بحری و آمریکا یعنی سه کشور آمریکا، فرانسه و انگلیس نیز بررسی کرده ایم که این مفاهیم در این سه تجربه - که هر سه در سنت غربی می‌زیستند - چه تفاوت‌هایی با هم داشتند و چرا این تفاوت‌ها رخ داد و آیا جوهره آنها با هم مشترک بود؟ به زبان دیگر آیا می‌توان گفت که

این مفاهیم در سنت‌های مختلف به علت بسترهای تاریخی و فرهنگی متفاوت در حداقل‌هایی مشترکند؟ همچنین آیا در جریان تکوین این مفاهیم و نهادها در نزد مشروطه خواهان ایرانی می‌توان گفت که آنها به حداقل‌های این اصول دست یافتند؟ زیرا قرار نیست که الگوی یک کشور دیگر در ایران پیاده شود، چنانکه هر کدام از این سه سنت در تکوین این مفاهیم و برداشتی که از هر یک از این اصول داشته‌اند شباهت چندانی با هم ندارد. به بیان دیگر هر گونه تاملی در خصوص این مفاهیم باید از دل سنتهای یک کشور صورت گیرد و مشروطیت از این حیث برای ما دارای اهمیت فراوانی است، زیرا در این دوران بود که سعی شد از دل سنتهای فکری و تاریخی ما تاملی در خصوص این مفاهیم بنیادین صورت گیرد و سنگ نخستینی برای بنایی که قرار بود در آینا ساخته شود در زمینی محکم قرار گیرد.

به باور ما در خلال دهه بیست متفکران قوم و مجلس اول در آن انقلاب بزرگ، بسیاری از مفاهیم به خوبی با توجه به وضعیت تاریخی ایران تکوین یافتند و به این ترتیب ایرانیان در نقطه آغاز، گامی بزرگ برداشتند. روشنفکران و فقیهان (در خلال نوشته‌های نظری خود) و مجلس اول (از لحاظ عملی) توانستند حدود و ثغور این مفاهیم نوآیین را مشخص کنند و این به عنوان نقطه آغاز کاری بزرگ بود، ولی ادامه این کار و فرجه کردن این مفاهیم نیازمند کوشش و تاملات پس از آن بود. اینکه چرا این مباحث مهم توسط اخلاف آنها پیگیری نشد و بگذشت یک سده هنوز حتی از این مباحث رمز گشایی نیز نشده است موضوعی است که در دفتر دیگری باید بررسی شود. در خصوص تاریخ مشروطیت تاکنون آثار زیادی نوشته شده است و اگرچه نوشته‌های به نسبت زیادی از لحاظ کمیت وجود داشته باشد، اما بر اصل نظر پوشیده نیست که رساله‌ها و تالیفات درجه اول به ندرت و اندک است. اثر از خاطره‌ها و روزنامه نویسی‌های شاهدان مشروطه و تالیفات هم روزگاران آن انقلاب (که همگی حاوی اطلاعاتی برای تجزیه و تحلیل محققین اند) بگذریم، از آثاری که در یک سده پس از آن انقلاب نوشته شده‌اند کمتر اثری وجود دارد که به رویکرد ما نزدیک باشد. توضیح آنکه تاریخ مشروطه خواهی که تامل و تلاش در راستای تحدید قدرت است موضوعی است که تا حد زیادی در حیطه حقوق عمومی قرار می‌گیرد، ولی حقوقدانان ایرانی در یک سده اخیر از آن غفلت کرده‌اند و سایر نوشته‌ها و تحلیل‌ها نیز در غیاب

حقوقدانان و تحلیل حقوقی به رشته تحریر در آمده است. تالیفات فریدون آدمیت و سیدجواد طباطبایی در میان تمامی تحلیل‌های مشروطه از منظری که ما در این کتاب می‌نگریم حایز اهمیت‌اند. اهمیت کار آدمیت از منظر این تحقیق در این است که با علم حقوق آشنا بوده و در جای جای آثارش به اصطلاحات حقوقی مشروطه، اگرچه به صورت گذرا، اشاراتی کرده است. او بیش از هر چیز در پی نشان دادن نقش روشنفکران در آن انقلاب بزرگ است. سید جواد طباطبایی که تحصیلاتی در حقوق نیز داشته است گامی از او جلوتر است و علاوه بر آشنایی و آگاهی‌های ژرف به مباحث فلسفه - حقوق به تحولات حقوقی نیز بی‌توجه نیست. طباطبایی در پروژه فکری کلانی که به تاریخ اندیشه - اسی در ایران و غرب می‌پردازد، بخشی از کار خود را به مشروطیت اختصاص داده است و در بررسی جنبه‌های مختلف تاریخ اندیشه در مشروطیت به تحولات حقوقی نیز نگرسته است. البته هنوز پروژه او تکمیل نشده و تفسیر او از قانون اساسی مشروطه به زیور طبع آراسته نشده است، اما تفسیر او از رساله یک کلمه و تاکید او بر اهمیت فقه‌ها، از نقاط درخشان تحقیقات اوست. بجز این آثار نوشته‌های برخی از محققین در حوزه حقوق به اخیر دارای اهمیت است که بیشتر آنها از شاگردان طباطبایی بوده‌اند و پروژه آنها (اگر چه گاه در جهت مخالف طباطبایی حرکت کرده‌اند) در پرتو اندیشه استادشان فهمیده می‌شود. "کارهای داوود فیروزی، حسین آبادیان و ناصر سلطانی از این دستند"

لازم به توضیح است هنگامی که می‌گوییم هیچ ادبیاتی در این زمینه وجود ندارد منظورمان تحقیقات مفصل و نوشته‌های معتبر و قابل استناد است که مستقیمی با سالها تأمل و تحقیق به آنها رسیده باشند.

این تحقیق نه از نوع تحقیقات تاریخی است و نه تئوری انقلابها، بلکه تحقیقی است در تاریخ حقوق عمومی و نظریه مشروطیت، از این روی نباید آنرا با مقدمات چنین تحقیقاتی نگریم. این نکته نیاز به توضیح بیشتری دارد. اگر در این تحقیق به تاریخ و حوادث آن اشاره شده است از آن روست که پرتوی بر مباحث این دفتر افکنده شود نه اینکه یک تحقیق تاریخی نگاشته شود. از طرف دیگر یک مشکل اساسی در این تحقیق این بود که در ایران هنوز ادبیات و سستی در این خصوص وجود ندارد. بی‌شک اگر ادبیاتی شکل گرفته بود و سستی‌های پدید آمده بود به بخش اعظمی از این مباحث نیازی

نبود. چون عملاً چنین چیزی وجود ندارد باید برای هر سطر توضیحی داد و منبعی آورد. برای نمونه حتی یک مقاله درباره نظریه مشروطه خواهی در یک سده اخیر در ایران نوشته نشده است و از تحقیقات مهمی که در این خصوص در سنتهای متعدد نوشته شده است بجز یک یا دو اثر (آنها در سالهای اخیر) نوشته‌ای به زبان فارسی ترجمه نشده است. اگر تحقیقات متعددی در خصوص نظریه مشروطه خواهی یا هر کدام از مفاهیم این دفتر صورت گرفته بود مسیر این تحقیق متفاوت می‌شد. اگر در خصوص مفهوم پارلمان، قانون اساسی و دیگر مفاهیم این رساله در عصر مشروطیت نوشته‌های مفصل و ارزشمندی وجود داشت این دفتر به جرح و تعدیل آنها یا دفاع از یکی از آنها، نگرش‌ها می‌پرداخت و بر روی شان آنها می‌ایستاد و آنگاه با انباشت این مباحث و تعدیل دفاع از آرای خود می‌توانستیم ادعا کنیم ادبیاتی در این خصوص شکل گرفته است و با تبارز آرا سنتهایی را پدید آوریم. علاوه بر اینکه تحقیقی در مورد تکوین این مفاهیم در مشروطیت ایران صورت نگرفته است، درباره پیشینه محتمل آنها قبل از مشروطیت و همچنین تعدیل این مفاهیم بعد از مشروطیت تا به روزگار ما نیز هیچ تحقیقی صورت نگرفته است. عبات دیگر این اثر در صورتی کامل خواهد شد که دو چیز روشن شود: اول اینکه پس از چه نظریه مشروطه خواهی در ایران چه می‌باشد و دوم اینکه این مفاهیم پس از انقلاب مشروطیت تا به امروز چه تحولات نظری را از سر گذرانده‌اند. این مسائل بر مشکل اصلی رشته افزوده است، زیرا نه می‌توانیم بفهمیم که تکوین این مفاهیم بر روی چه پیشینه‌ای باشد نه اینکه بر آینده چه تأثیری گذاشت و تحولات آینده‌ی این مفاهیم به چه مسیری رفته است. این مساله باعث می‌شود که این تحقیق حتی اگر در خوشبینانه‌ترین حالت موفق باشد به مثابه یک نقطه روشن در مسیری باشد که تمام آن تاریک است و اینها همه به خاطر فقر مباحث نظری و تاریخی در حقوق ایران است.

بی‌شک از منظرهای مختلفی می‌توان به یک حادثه نگریست. آنچه در ایران پس از مشروطیت در مورد این حادثه مهم نگاشته شده است عموماً توسط مورخین، ادیبان و تا حدودی در دو دهه اخیر توسط محققین علوم سیاسی و جامعه‌شناسی به رشته تحریر درآمده است و از منظرهای دیگر، تحقیقات بسیار اندکند و عموماً در ذیل آنها قرار می‌گیرند. در این میان برخی از رشته‌ها همچون حقوق و اقتصاد عملاً هیچ

مشارکتی در این بحث‌ها نداشته‌اند و این سختی کار این رشته‌ها را دوچندان می‌کند، زیرا آنچه به عنوان سابقه وجود دارد نوشته‌های تاریخی است و مشخص کردن مرزهای خود با این تحقیقات کار بسیار دشواری است. از این روی اگر قرار باشد کاری نیز صورت گیرد این مورخین و روشنفکرانند که با دیدگاه‌های خود به نقد آن می‌نشینند و سایرین نیز چون از طریق نوشته‌های آنان با مشروطیت آشنا شده‌اند از دید آنها به نقد می‌پردازند.

یکی دیگر از مشکلات ما انتخاب اصول بود، زیرا هیچ اثری تاکنون به صورت مستقل بر روی اصول مشروطیت نپرداخته است. منظور آنست که تاکنون کتابی که بررسی اصول مشروطیت را موضوع اصلی آن باشد به رشته تحریر در نیامده است. با این حال نویسندگان متعددی که درباره مشروطیت آمریکا، انگلیس و فرانسه تحقیقاتی کرده‌اند، در فصولی از آثار خود به برخی از اصول مشروطیت پرداخته‌اند و اختلافات زیادی در انتخاب اصول میان آن وجود دارد. برخی از این اصول مختص یکی از این کشورهاست مثل اصل فدرالیسم در مشروطیت آمریکا. برخی از اصول در برخی کشورها ریشه و سنت ضعیفتری نسبت به دیگران دارد مثل کنترل قوانین در فرانسه. برخی نیز در هر سه سنت، ریشه دار است، اما مسیرهای آنها متفاوت است مثل تفکیک قوا. در میان این اصول متعدد، ما اصولی را برگزیدیم که در انقلاب ایران بر سر آنها بحث شده است و در آن سه سنت نیز وجود داشته‌اند. اصول برگزیده عبارتند از قانون اساسی، تفکیک قوا، استقلال قضایی، پارلمان، نمایندگی و حاکمیت. در انقلاب ایران دو مفهوم کلیدی آزادی و برابری نیز وجود داشت که مباحث بسیاری بر سر آن در گرفت که بررسی بخش اعظمی از آنها نیازمند تحقیقات حقوقی و البته تتبعات بسیار است. از این روی درآمدی بر این دو مفهوم را نیز در این کتاب گنجانیدیم. لازم به توضیح است که اصول مشروطیت در کشورهای دیگر بیشتر از این اصولند، ولی در این تحقیق صرفاً اصولی انتخاب شده‌اند که در انقلاب مشروطیت ایران بحث شده‌اند.

تحقیقاتی که تا به امروز در ایران نوشته شده است چنانکه پیشتر اشاره کردیم هم در غیاب حقوقدانان بوده است، هم در غیبت مفاهیم حقوقی. اصولی که در این رساله بررسی شده‌اند در درجه اول مفاهیمی حقوقی‌اند و ما سعی نموده‌ایم این جنبه از نوشته‌های عصر مشروطیت را بررسی کنیم. برای نمونه آنچه تا کنون در ایران از ملکم

خان نوشته‌اند ناظر به وجه تفکرات نوسازی او یا انطباق شرع با تعدد بوده است، یا آنچه در باره نایینی نوشته‌اند ناظر بر تقسیم بندی او از انواع حکومت یا نظریه سیاسی او بوده است، اما تاکنون کسی بر این نکته تمرکز نکرده است که پدران ما در عصر مشروطیت چه دیدگاهی نسبت به قانون اساسی، پارلمان و دیگر مفاهیم کلیدی آن انقلاب بزرگ داشته‌اند. به عبارت دیگر در آنچه درباره مشروطه خواهی ایرانیان نوشته شده است هیچ اشاره‌ای به مفاهیم حقوقی که در حقیقت اصول مشروطیتند نشده است و همچنین هر آنچه حقوقدانان در خصوص این اصول در آثارشان، که از مبانی حقوق عمومی بر می‌باشند، نوشته‌اند هیچ اشاره‌ای به تحول مفاهیم، سابقه تاریخی و چگونگی تکوین آنها نکرده‌اند.

به جد بر این باوریم که تحقیقاتی از این دست تنها در صورتی موفقند که محققین بسیاری در این خصوص به تتبع بپردازند و سنتها و ادبیاتی شکل بگیرد که بتوان آنها را با هم مقایسه کرد و حکم زد. تمام این مطالب باید گفت که این نخستین تحقیق در خصوص مشروطیت از منظر اصول بنیادها و حقوق عمومی به زبان فارسی است که همراه با مطالعه‌ای تطبیقی در خصوص کشورهای آسیایی است که تجربیات گرانمایی در این خصوص داشتند. توضیح آنکه تاکنون هیچ نامل بومی در خصوص این اصول نشده است و نوشته‌های موجود درباره این اصول در جریه کشورهای غربی نیز با نگاه ایرانی نبوده است. به عبارت دیگر ادبیات موجود به دنبال آن بوده است که از توضیح یک اصل در غرب برای فهم یا تکوین یا تحول آن در ایران استفاده کند، بلکه بیش از هر چیز به دنبال آن بوده است که آن اصل را در غرب توصیف کند.

هدف از بررسی این سه انقلاب بزرگ که معروفترین نسخه‌های انقلاب‌های مشروطیت در اروپای بری و بحری و آمریکاست دو امر بود: اول اینکه در نوشته‌های ایرانیان در آن عصر آگاهی‌هایی از این سه انقلاب وجود داشت. دیگر آنکه نشان دهیم چگونه این مفاهیم با توجه به بسترهای تاریخی متفاوت و ساختار سیاسی و اندیشه‌های متفاوت آن سرزمین‌ها مسیرهای جداگانه‌ای رفته‌اند و در عین حال در حداقل‌هایی مشترکند. برای مثال اگرچه حکومت قانون در هر یک از این سه سنت مفهوم متفاوتی دارد، اما همه آنها در یک نقطه به هم می‌رسند و آن منع اراده خودسرانه و عمل بر طبق قانون از پیش تعیین شده است. این دو نکته کلیدی برای ما دارای اهمیت فراوان است.

نخست اینکه قرار نیست که ما در خصوص هر کدام از این مفاهیم الگوی فرانسوی یا انگلیسی را نعل به نعل با ایران مطابقت داده و در ایران آنرا پیاده کنیم، زیرا هیچ کشوری در جهان چنین کاری نکرده است و خیال خامی بیش نیست. دیگر اینکه آیا ما توانسته ایم در تجربه مستقل خویش به حداقل مشترکی از این اصول دست یابیم. مثلاً در خصوص حکومت قانون آیا موفق شده ایم با تجربه‌ای متفاوت به منع اراده خودسرانه و عمل طبق قانون برسیم.

این تحفه به دو طریق می‌توانست سامان یابد. نخستین روش این بود که فقط به مشروطیت ایران بپردازیم یعنی مفاهیم سنتهای غربی را در خدمت مباحث ایران می‌آوردیم. توضیح آنکه در ذیل مباحث ایران هر جا که در تجربیات و مباحث آن سه کشور وجه اشتراکی با مباحث ما وجود داشت یا مباحث آن سه سنت می‌توانست پرتوی بر مسائل ما بیافکند از آنها بحث می‌شد. روش دوم که ما اتخاذ نموده ایم در دو گام است. در گام نخست سر کلام از مفاهیم بررسی شده را در آن سه سنت مشروطیت تبیین نموده‌ایم و پس از معرفی آن سه سنت، در گام دوم، تکوین این مفهوم را در انقلاب مشروطیت ایران بررسی کرده‌ایم. بنابراین زمان است که می‌توانیم بگوییم آیا حداقل‌هایی از این اصول که در آن سنتها پذیرفته شده بود، در انقلاب مشروطیت ایران نیز پذیرفته شد یا نه. روش نخست در صورتی مناسب‌تر بود که در مورد تجربه غرب در خصوص آن مفاهیم نیز ادبیات گسترده‌ای در ایران وجود داشت که ما می‌توانستیم از آن بهره ببریم، اما علی‌رغم آنکه نوشته‌های موجود در کشور ما درباره تجربه غرب بیش از تجربه ایرانیان است باید اذعان کرد که این منابع نیز بسیار ناچیز و اندکند. علاوه بر این، منابع اندکی که در مورد این مفاهیم در غرب در کشور ما وجود دارد بیشتر در خصوص تحولات چند دهه اخیر است نه تحولات تاریخی این مفاهیم در انقلابهای مشروطیت سده‌های هفدهم و هیجدهم. در حالی که ما به دنبال تکوین این مفاهیم در آن سده‌ها بودیم نه بحث‌های دهه‌های اخیر.

در بررسی اصول، کوشش نموده‌ایم در آغاز هر بحث مقدمه‌ای را در خصوص این سه تجربه و سه سنت متفاوت در خصوص این اصول بیاوریم تا علاوه بر نشان دادن تفاوت آنها نشان دهیم حداقل‌های مشترک در چه بودند. همچنین از آنجا که موضوع ما در این رساله ایران بود، تنها اصولی از آن کشورها را بررسی کرده‌ایم که در این دفتر و

در مورد ایران بررسی شده‌اند و گر نه اصول متعددی در تاریخ و تئوری‌های مشروطه خواهی در غرب وجود دارد که ما به علت خروج موضوعی از اصول بررسی شده در این دفتر از آنها صرف نظر کردیم، همچون حاکمیت مردم، قرارداد اجتماعی، حقوق طبیعی، کنترل قضایی، فدرالیسم و...

برای بررسی این اصول در تجربه ایران هر اصل را از سه منظر نگریسته ایم. نخست آرای روشنفکران است. آنها به عنوان حاملان اندیشه جدید بسیاری از مفاهیم را برای نخستین بار وارد ایران کردند و اگر چه در بیرون سنت ایستاده بودند، اما اهمیت فراوانی دارند. خوشبختانه بخش زیادی از نوشته‌های این دسته از اندیشمندان ایرانی به دست ما رسیده است. دوم از دیدگاه فقیهانی است که پرچمداران اندیشه سنت در ایران بودند و از خلال آنها که میان دو دسته از فقیهان در خصوص اصول مشروطیت رخ داد سخنان مهمی گنجه شد. برخی از مهمترین رسائل فقیهان به همت یکی از محققین، امروز در اختیار ما است. بعضی مهم برای تحلیل مفاهیم و اصول است. کثرت نوشته‌های روشنفکران و فقیهان و با آنکه بودن مفاهیم حقوقی در اندیشه آنان بر دشواری این تحقیق می‌افزود. سعی کردیم این مفاهیم را که به گفته حکیم توس "چون گنج آکنده" و در هر "نسخه‌ای" آکنده<sup>۱</sup> بود، از نوشته‌های مختلف برداشته و با ارائه تحلیل و بستن "پیرایه"هایی بر آن، نظر خوانندگان را به آنها جلب کنیم. سوم از منظر تجربه عملی ایرانیان در مجلس اول است. این مجلس مکان تکوین آگاهی بود و بسیاری از مفاهیم در آنجا تثبیت شد. مشروح مذاکرات مجلس اول مهمترین سند ما در خصوص تجربه مجلس اول است. بنا بر گفته‌ای "مذاکرات مجلس اول نخستین سند در تاریخ حقوق اساسی یا تاریخ مشروطه خواهی به معنای دقیق کلمه است و حقوق اساسی در ایران برای اینکه بتواند کارکرد مطلوبی داشته باشد ناگزیر است این سند را از زاویه شرایط طرح مسائل حقوق اساسی ایران و پیدایش و تحول مفاهیم و نهادهای آن بکاود و [به گفته آدمیت] شگفت است که این سند با اینکه همیشه در دسترس همه بوده است هیچگاه مورد استفاده قرار نگرفته است".<sup>۱</sup> در خصوص بررسی این اصول در تجربه غرب نیز سعی کردیم تا حد امکان مباحث آن سنت‌ها در انقلابهای مشروطیت را بررسی کنیم. بسیاری از این مفاهیم در سده‌های بعد دگرگون شده‌اند و

۱. سلطانی، سیدناصر، نقدی بر روش تدوین مذاکرات مجلس اول، تاریخ معاصر ایران، سال ۱۲، شماره ۴۵، بهار ۸۷ ص ۱۲۰



مباحث بسیار پیچیده‌ای در مورد آنها در روزگار ما وجود دارد که تا سر حد امکان سعی نمودیم از وارد کردن آنها به مباحث خود اجتناب کنیم، زیرا هدف ما بررسی نقطه آغاز تکوین این مفاهیم است نه تحولات پس از آن.

در انتخاب دوره تاریخی تکوین این مفاهیم در ایران نیز با دشواری‌هایی روبرو بودیم. اگرچه اولین مباحث روشنفکران در دوران ناصری رخ داد، اما بی‌شک از آغاز جنگهای ایران و روس پیش زمینه‌هایی برای این مباحث وجود دارد. با این حال دوره تاریخی این تحقیق منحصر به تدوین نخستین رساله‌های روشنفکران در نیمه دوم عصر ناصری تا پایان مجلس اول است. به همین دلیل بسیاری از مباحث مهم پیش از عصر ناصری و نیز دوره استبداد صغیر و مسائل پس از آن در این دفتر نیامده است. ریشه بسیاری از این مفاهیم را باید در آغاز تجددخواهی ایرانیان حداقل از دارالسلطنه تبریز بررسی کرد، اما بررسی این دوره وسیع‌تر و وسیع‌تر است نه کار یک تن است نه می‌توان در چند سال تحقیق به آن رسید. از این روی کار خود را محدود به همین دوره نمودیم که خود نیز به علت حجم نوشته‌ها دوره وسیع است. در بررسی رساله‌ها نیز سعی کردیم این دوره را مد نظر داشته باشیم و اگر به رساله‌ای اشاره کرده‌ایم که تاریخ نگارش آن پس از به توپ بستن مجلس است (مانند رساله نایینم) از آن روی بوده است که در پاسخ رساله‌هایی نوشته شده‌اند که در دوره مجلس اول تحریر شده بود. به همین دلیل رساله فروغی را در بررسی‌های خود قرار داده‌ایم، اما رساله مهم منصورالسلطنه عدل که در ۱۳۲۷ هجری قمری نوشته شد اشاره‌ای نکرده‌ایم.

در خصوص منابع این تحقیق نیز باید گفت که منابع عصر مشروطیت ایران را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد: نخست منابعی است که از آن زمان به این زمان ما باقی مانده است که شامل اسناد، خاطرات، سفرنامه‌ها و رساله‌هاست، دوم منابع تحلیلی که با رویکردهای متعدد در تحلیل آن انقلاب نوشته شده‌اند و عموماً توسط مورخین و ادیبان و روشنفکران و گاه توسط محققین علوم سیاسی و جامعه‌شناسی به رشته تحریر درآمده‌اند. ما سعی کردیم تا حد امکان هر دو دسته را ببینیم.

این نوشته در دو بخش سامان یافته است. بخش اول یعنی فصول اول و دوم مقدمات بحث است و در پی آراستن صحنه‌ای است که برای ورود به مباحث اصلی نیازمند آنیم و برخی از دیدگاههای کلی این تحقیق در آنها نهفته است. شاید چنین به

نظر بیاید که اینها از "مبادی بعیده" بحث هستند و به مباحث این بخش نیازی نیست. اما ناگزیر از ورود در این مباحث بودیم، زیرا چنانکه پیشتر گفتیم هیچ ادبیاتی در این خصوص در ایران وجود ندارد و ناچار بودیم برای هر بحثی به مقدمات آن اشاره کنیم. این سخن در صورتی درست است که ادبیاتی در این خصوص شکل بگیرد و به قول بورخس "خواننده مطلوب" وجود داشته باشد که با کل مقدمات بحث یعنی با دانش حقوق، دانش تاریخ و با نظریه مشروطه خواهی آشنا باشند. تنها در این صورت به اعظم مباحث نیازی نبود. مباحث این بخش ما را با مشکل دیگری روبرو کرد. توضیح آنکه در خصوص حوادث تاریخی اختلاف نظرها بسیار زیاد است و هر چه از مبدا حادثه فاصله می‌گیریم روایت‌ها نیز بیشتر می‌شوند. برای مثال در انقلاب ایران مباحثی چون کشتن امین‌الدوله، اختلاف شیخ فضل‌الله و بهبهانی، نقش انجمن‌ها و تندروها، جریانهای منجر به انقلاب، نقش گروههای مختلف در انقلاب، بست نشستن شیخ، به توپ بستن مجلس، تشر دول خارجی و حوادث بسیار دیگری وجود دارد که هنوز از منظر مورخین محل اختلاف و تردید است و اوراق زیادی تا به امروز در مورد آنها سیاه شده است که بی‌شک بررسی دقیق هر یک از این موضوعات نیازمند تدوین رساله‌ای مستقل در رشته تاریخ است. از این روی ممکن است که با دید مورخین، بر این بخش ایراد گرفته شود که برای مثال چرا کشتن امین‌الدوله را در دو خط به تندروها نسبت داده‌ایم در حالی که منابعی در دست است که ساه یا گروههای دیگر نیز در قتل او دست داشته‌اند، یا نقش انجمن‌ها از منظرهای متعددی قابل بررسی است، چرا در این دفتر بر تندروی آنها، آنهم در چند خط تأکید شده است، یا در حالی که لحاظ نسخه شناسی فلان نامه یا رساله هنوز به طور قطع متعلق به فلان شخصیت نیست (همچون رساله تذکره الغافل و ارشاد الجاهل) چرا آنرا به نام او یاد کرده ایم. یا اینکه حوادث منجر به مشروطیت بسیار بیشتر از این حوادثی است که در این صفحات معدود آورده شده‌اند، برای نمونه چرا تجربه امیرکبیر و سپهسالار و دستاوردهایشان در اینجا نیامده است. همین مشکل در خصوص سه انقلاب مشروطیت بررسی شده در این کتاب نیز وجود دارد. ما نیز به این اختلافات و تشتت آرا واقفیم، اما چنانکه گفتیم این دفتر، رساله‌ای در دانش تاریخ نیست و صرفاً برای ورود به بررسی اصول، خلاصه‌ای از مهمترین مباحث آن انقلاب‌ها را آورده‌ایم و سعی کرده‌ایم که در هر حادثه اختلافی

(بجز موارد معدودی) قول مشهور را بیاوریم و گزارشی از این انقلابها ارائه دهیم که خواننده هنگام بررسی اصول بداند که آنها در چه فضا و بستری و در خلال چه حوادثی تکوین یافتند. همچنین کاملاً واقفیم که میان تاریخ حقوق و تاریخ وقایع تفاوت عظیمی وجود دارد. در این بخش سعی نمودیم تصویری از نظریه مشروطه خواهی در اروپای غربی را نیز به نمایش بگذاریم که از سده‌های میانه آغاز و به انقلابات سده هیجده خاتمه می‌یابد. در این قسمت اولاً نشان داده‌ایم که ایده مشروطه خواهی و نظریه مشروطیت به سده‌ها قبل از پیروزی این سه انقلاب بر می‌گردد و مباحث بسیاری را خصوص آن در قرون وسطی شکل گرفته بود، اما آنچه مد نظر ماست مربوط به مباحث سده‌های هفدهم و هیجدهم و دولت مشروطه است. ثانیاً اشاره‌ای به اصول بدیافته سده مشروطیت نموده‌ایم و اینکه چرا این اصول را برگزیده ایم. ثالثاً به تفکیک مشروطیت، دموکراسی و لیبرالیسم اقدام نموده‌ایم که باعث گمراهی بسیاری از محققین ایرانی در تحلیل انقلاب مشروطیت شده است. از طرف دیگر نظریه مشروطیت نظریه‌ای در محدب دولت است و بدون آشنایی با نظریه دولت مخصوصاً نظریه دولت مطلقه نمی‌توانیم به نظریه مشروطه خواهی که در نظریه دولت مشروطه در سده‌های هفدهم و هیجدهم به بار نشست به دنبال تحدید کدام قدرت بود. از این روی ابتدا به بررسی نظریه دولت مدین در غرب (مخصوصاً دولت مطلقه) اشاره‌ای نموده‌ایم.

بخش دوم بررسی اصول مشروطیت در سه سنت غربی و ایران است. مفهوم قانون اساسی نخستین اصل بررسی شده در این دفتر است. در اینجا نیز پس از تبیین این مفهوم در تجربه غرب در آن سه انقلاب بزرگ به سراغ تجربه ایران در تدوین قانون اساسی و متمم آن رفته‌ایم و آرای موافقان و مخالفان قانون اساسی را از نظر گذرانده ایم. سپس در بررسی مفهوم قانون، با نگاهی به تجربه سه انقلاب بزرگ و ویژگی‌های قانون و سنت‌های حاکمیت قانون نشان داده‌ایم که ایرانیان چگونه توانستند تا اندازه‌ای حدود و ثغور این بحث را روشن کنند. همچنین بخشی را به بررسی نسبت فقه و قانون که مهمترین پرسش در تکوین قانون در ایران بود اختصاص داده ایم. لازم به توضیح است که میان مفاهیم قانون و حاکمیت قانون تفاوت وجود دارد، اما از آنجا که مفهوم حاکمیت قانون مفهومی گسترده است و برخی از اصول چون تفکیک قوا و استقلال

قضایی (که ما در این دفتر بررسی کرده‌ایم) از ویژگی‌های آنند، بر آن شدیم که صرفاً به مباحثی از حاکمیت قانون بپردازیم که با مفهوم قانون و ویژگی‌های آن هم پوشانی دارد، زیرا شرایط و ویژگی‌های قانون یکی از مباحث حاکمیت قانون است. در خصوص تفکیک قوا نیز پس از اشاره‌ای به اهمیت مونتسکیو و سه سنت تفکیک قوا، این نظریه را در نوشته‌های روشنفکران، جدال فقیهان و مجلس اول از نظر گذرانده‌ایم که ایرانیان در خصوص فلسفه تفکیک قوا چگونه تحریر محل نزاع را به جای دیگری بردند و بیش از آنکه در خصوص این اصل صحبت کنند سخن از آثار آن گفتند، اما در خصوص روابط قوا با هم توانستند نکات برجسته‌ای بیان کنند. مفهوم نمایندگی نیز از مهم‌ترین مباحث ما در همه تئوری‌های مشروطیت است. در اینجا نیز پس از نگاهی به سه تجربه مهم در خصوص نمایندگی، رویکرد ایرانیان را نشان داده‌ایم که چگونه مخصوصاً از خلال مباحث فقیهان نکات مهمی در این خصوص بیان شد. نظریه پردازی ایرانیان خردمندانه، آخوند خراسانی درباره این دو مفهوم از درخشان‌ترین مباحث نظری مشروطیت ایران است. مشروطیت ایران مشروطه پارلمانی بود و نهاد پارلمان برای آنها از اهمیت بسیاری برخوردار بود و هم در مباحث روشنفکران و هم در جدال فقیهان بسیاری از بنیادها، پارلمان بحث شد که از جهات بسیاری حائز اهمیت است. علاوه بر این تجربه مجلس اول به عنوان نخستین پارلمان در ایران بسیار درخشان است. کوشش کرده‌ایم که دستاوردهای این مجلس در این خصوص را نشان دهیم. در خصوص استقلال قضایی نیز با توجه به استقلال سیستم قضایی منسجم در ایران سخن از استقلال نهادی که وجود ندارد محلی نداشت. از این روی ایرانیان بحث خود را معطوف به لزوم ایجاد نهاد و سیستم تصایع کردند و در پایان به آزادی و برابری به عنوان دو حق بنیادین در مشروطیت ایران پرداخته‌ایم.

## دانش تاریخ

دانش تاریخ را در گذشته بیان حوادث و اتفاقات می‌دانستند که خود نوعی روایت بود و حتی گفته‌اند که در قدیم کسی فلان کتاب تاریخی را نزد فلان استاد خوانده است و به قولی اجازه روایت تاریخ داشت. از این حیث هر کسی به گذشته نزدیکتر بود می‌توانست روایتی قابل اعتمادتر از آن ارائه دهد که گاه با افسانه و دروغ خلط می‌شد. همین باعث شده بود که برخی در فایده داشتن این دانش تردید کنند. چنانکه

گفته‌اند کم شدن یکی از دو کمان آن ترک در سقسین<sup>۱</sup> چه فایده‌ای به ما می‌رساند. یا آنچنان که پاسکال گفته است اگر تاریخ داستان به تخت نشستن فلان وحشی در فلان تاریخ است فایده‌ای بر آن مترتب نیست و از این دست نقدها که کم نیستند.

در قرون وسطی نیز تاریخ نویسی همچنان نقل حوادث بود، اما با ولتر تحولی در دانش تاریخ پدید آمد. او را بنیانگذار مفهوم نو در تاریخ دانسته‌اند که بر گسترش و پیشرفت فرهنگی و اقتصادی تاکید می‌کرد و از این حیث مفهوم تاریخ نویسی را بر هم زد و به نقد تاریخ نویسان رسمی و کلاسیک چون بوسوئه پرداخت.<sup>۲</sup> البته پیش از ولتر، هیوم به این کار همت گماشته بود که تاریخ انگلیس را نگاشت و کتابش بیش از پنجاه بار چاپ شد<sup>۳</sup> و بر «تاثیر فراوان نهاد.

بعدها با گسترش دی‌کورد پوزیتیویستی، دانش تاریخ نیز از آثار آن بی‌تاثیر نماند. پوزیتیویستها به دنبال این بودند که علوم انسانی را مانند علوم تجربی با قواعد معین و از پیش تعیین شده‌ای مشخص کند و هر دو از یک منطبق واحد پیروی کنند. پیش فرض قائلان به اندیشه پوزیتیویستی یکمان‌پنداری قواعد، قوانین و روش‌های علوم انسانی و علوم تجربی است. پوزیتیویستها نخستین جنبش رویکردهای علمی به تاریخ بودند. آگوست کنت بانی مکتب پوزیتیویست بر آن عقیده بود که مورخ باید نظم طبیعی حوادث را در طول زمان کشف کند.<sup>۴</sup> مکتب روش در دانش تاریخ متأثر از پوزیتیویست‌ها بود. (البته لازم به ذکر است که قبل از پوزیتیویست‌ها تاریخ‌نگاری مخصوصاً در فرانسه متأثر از نهضت رمانتیسم بود).<sup>۵</sup> بعد از آنکه بهای پوزیتیویستی به شدت مورد نقد قرار گرفت، مخصوصاً این ایده اصلی آنها که می‌توان تاریخ را تابع یک نظریه کرد و آن را به مثابه علوم تجربی نگریست، زیرا تاریخ به عنوان یک معرفت، متفاوت از علوم تجربی و طبیعی است و نه تنها نمی‌توان آن را تابع نظریه‌ها کرد که حتی هدف آن نیز این مسأله نیست.<sup>۶</sup> دست یافتن به حقایق عمومی و کلی هدف تاریخ نیست. به همین دلیل عبارات و مفاهیمی چون سرنوشت تاریخی به گفته پوپر (یکی از

۱. کف، امری، فلسفه تاریخ، ترجمه عبداله فریار، کتابفروشی دهخدا، ۱۳۴۰، ص ۱۲

۲. زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ در ترازو، انتشارات امیرکبیر، چاپ یازدهم، ۱۳۸۶، ص ۹۰

۳. جهانگرد، نسرین مکتب آنال، انتشارات جامی، ۱۳۷۷، ص ۷

۴. همان، ص ۵۵

۵. والنس، دالبیو. اچ، مقدمه‌ای بر فلسفه تاریخ، ترجمه ضیاالدین علایی طباطبائی، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲، ص

منتقدان پوزیتیویسم از منظر فلسفه علم) "خرافه محض" است.<sup>۱</sup> از این رو پیشگویی نیز در تاریخ وجود ندارد و نمی‌توان به آن معتقد بود. در حقیقت نوع تعریف محقق از علم رویکرد او را مشخص می‌کند و اشکال کسانی که معتقد به رویکردی پوزیتیویستی هستند این است که علم را صرفاً چیزی می‌دانند که موضوع آن در دسترس محقق باشد و قابل حس و مشاهده باشد و به شناخت، به عنوان علم اعتقادی ندارند. به عبارت دیگر اختلاف اصلی در تعریف علم است که به چه چیزی علم گفته می‌شود.<sup>۲</sup> همانگونه که کالینگ وود می‌گوید اگر علم را به معنای مجموعه سازمان یافته شناخت تلقی کنیم، تاریخ نیز یک علم است.<sup>۳</sup>

در دانش تاریخ نیز چون دیگر دانش‌ها رویکرد پوزیتیویستی با انتقاد مواجه شد. بنیانگذاران مکتب اнал همچون مارک بلوخ و لوسین فور می‌خواستند علم تاریخ را از قید پوزیتیویسم رها سازند.<sup>۴</sup> آنها به دنبال ارائه تئوری‌ها و تفسیرهایی بودند که بتوان با استفاده از آنها تاریخ را تفسیر کرد<sup>۵</sup> و بر این باور بودند که مورخ علاوه بر اینکه باید به سایر علوم چون سیاست، اقتصاد، روان‌شناسی، توجه کند، نباید ارتباط خود با گذشته را قطع کند.<sup>۶</sup>

چنانکه یکی از نویسندگان داخلی ده است تاریخ و گذشته انسان چیزی مرده نیست بلکه رکن اساسی وجود اوست. بن‌وتو تروچه فیلسوف ایتالیایی در عبارت مهم و مشهوری می‌گوید: هر تاریخی تاریخ معاصر است و هر مورخ ارزشیابی است نه نقل رویدادها. از این حیث باید گذشته را از چشم حال نگریست.<sup>۷</sup> سخن کروچه بدین معناست که معنای بسیاری از جریان‌های حال را جز در جریان دگرگونی‌های تاریخی

۱. پوپر، کارل، فقر تاریخی گری، ترجمه احمد آرام، بی‌تا، بی‌جا، ص ۹.

۲. برای نگاهی به نقد پوزیتیویستها و مباحثی در خصوص تعریف علم رک: چالمرز، آلن، چیستی علم، ترجمه سعید زبیا کلام، انتشارات سمت، ۱۳۷۸.

۳. هیوز، ماری، ارکیتر واریگتن، ۵۰ متفکر کلیدی در زمینه تاریخ، ترجمه محمدرضا بدیعی، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۱، ص ۲ و ۸۱.

۴. جهانگرد، نسرين، پیشین، ص ۱۱.

۵. همان، ص ۷.

۶. برای دیدن مطالب بیشتر رک: استویانوویچ، ترایان، پارادایم آنال، ترجمه نسرين جهانگرد، نشر قضا ۱۳۸۶ و اتحادیه، منصوره، حامد فولادوند، بینش و روش در تاریخ نگاری معاصر، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۵.

۷. آشوری، داریوش، ما و مدرنیت، انتشارات صراط، چاپ سوم، ۱۳۸۴.

۸. کار، ای‌اچ، تاریخ چیست، ترجمه حسن کامشاد، انتشارات خوارزمی، چاپ ششم، ۱۳۸۷، ص ۴۸.

نمی‌توان فهمید.<sup>۱</sup> کالینگ وود نیز در عبارتی شبیه به او می‌گوید: کار تاریخ و مورخ مطالعه گذشته‌ای است که در حال جریان دارد.<sup>۲</sup> به باور کالینگ وود گذشته مورد مطالعه مورخ گذشته‌ای مرده نیست، بلکه گذشته‌ای است که در زمان حال جریان دارد و اعمال گذشته فاقد معنا هستند، مگر اینکه بتوان اندیشه‌ای که در پشت آنها نهان است را درک کرد.<sup>۳</sup> بوکهارت نیز چنین باوری داشت و بر آن بود که گذشته را فقط در پرتو نور حال می‌توان دید و البته این عبارت را نیز اضافه می‌کرد که زمان حال را نیز فقط در پرتو نور گذشته می‌توان دید.<sup>۴</sup> میشله در دیدگاهی شبیه این نگرش با اندکی تفاوت می‌گفت: تاریخ فقط شناخت گذشته طلب نمی‌شود، بلکه معنی و هدف گذشته و آینده نیز در آن بردی می‌شود.<sup>۵</sup> با این حال برخی با این نگرش موافق نیستند. برای مثال ویکو معتقد بود که در بررسی اسناد تاریخی مساله به هیچ وجه این نیست که چه معنایی برای ما دارند بلکه باید فهمید که در آن بافت فرهنگی و تاریخی که نوشته شده‌اند به چه معنا بوده‌اند.<sup>۶</sup> عبارت دیگر نباید یک متن را چنان خواند که گویا یکی از متاخرین آن را نوشته است، زیرا بسیاری از مفاهیم به گونه‌ای است که آنها هیچ ابزار زبانی برای بیانشان نداشتند. بنابراین ما باید تلاش کنیم که گذشتگان قصد داشتند با این کلمات چه مفهومی را انتقال دهند.<sup>۷</sup> همچنین سیارن از سخنان بزرگان برآیند اندیشه زمانه آنها بوده است، اما اگر از افق اکنون به گذشته بنگریم شکل "هم عصری تلقی کردن امر غیر معاصر" مطرح می‌شود، زیرا هر تجربه‌ای در خارج از چوب خاصی ممکن می‌شود.<sup>۸</sup> برخی نیز بر این باورند که اگرچه تلاش برای احیای چیزی که مرده است و منشایت خود را از دست داده است در حکم "امتناع اعاده معدوم" است، اما مورخ با دورانی سروکار دارد که گذشته است اما معدوم نشده است.<sup>۹</sup>

۱. طباطبایی، سید جواد، مکتب تبریز، انتشارات ستوده، چاپ دوم، ۱۳۸۶، ص ۲۲

۲. همان، ص ۵۳

۳. ملایمی توانی، علیرضا، درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ، نشر نی، چاپ سوم، ۱۳۸۸، ص ۵۴

۴. همان، ص ۸۹

۵. زرین کوب، تاریخ در ترازو، پیشین ص ۱۹۸

۶. استفورد، مایکل، درآمدی بر تاریخ پژوهی، ترجمه مسعود صارمی، انتشارات سمت، ۱۳۸۴، ص ۶۸

۷. اسکینر، کویتن، پیش‌های علم سیاست، ترجمه فریبرز مجیدی، فرهنگ جاوید ۱۳۹۳، ص ۹۷

۸. آبادیان، حسین، مفاهیم قدیم و اندیشه جدید، انتشارات کویر، ۱۳۸۸، ص ۲۲

۹. آبادیان، حسین، تقدیر تاریخی اندیشه ایرانی دروه قاجار، نشر علم ۱۳۹۳، ص ۲۷